

دریاچه‌ی هامون

دریاچه‌ی هامون، همراه با رود هیرمند / هلمند، دارای جایگاهی پراهمیت در ادبیات و اساطیر ایران باستان، به ویژه در فرجام‌شناسی زرتشتی است. از هامون بارها در اوستا یاد گردیده و در آن با نام کانسئویه (Kansaoiia) نموده شده است. در یشت ۶۶-۶۹/۱۹ از فر کیانی با اشاره به «کانسئویه‌ی هلمندی»، که نه رود با هم بدان فرومی‌ریزند، و همراه با کوه اوشی. دام، که احتمالاً مطابق است با کوه خواجه، که حدود ۱۵۰ متر بالاتر از حوضه‌ی هامون سربرکشیده، یاد شده است. در یشت ۹۲/۱۹ و وی دیوداد ۵/۱۹ اشاراتی به زایش سئوشینت - استوتارته از آب‌های این دریاچه وجود دارد، که در آن، بنا به روایات، نطفه‌ی زرتشت برای آستن‌سازی سه دوشیزه‌ی یاد شده در یشت ۱۴۲/۱۳، یعنی مادران سه سئوشینت، نگاه داشته می‌شود.

در متون پهلوی دریاچه‌ی هامون «کیانسه» خوانده می‌شود (بن‌دهش ۱۶/۱۳)، که تداعی کننده‌ی نام دودمان کیانی است. این متون یادمان‌هایی از سنت‌های اوستایی مربوط به هامون را، هم درباره‌ی پیوند آن با زایش سئوشینت (پهلوی: سوشیانس) از تخمه‌ی زرتشت و هم درباره‌ی نه رودی که به آن فرو می‌ریزند، حفظ کرده‌اند؛ این آثار جزییات افزوده‌ای را نیز درباره‌ی این که هم‌گرایی آب‌ها در آن نقطه کار فراسیابو (فارسی نو: افراسیاب) بود، به دست می‌دهند. در این پیوند باید به یاد داشت که جریان آزاد آب‌های سیستان جزو کارهای سودمندانه‌ی منوچهر به شمار آمده است (مینوی خرد (41-27/44) و نیز یکی از نشانه‌های رستاخیز در رساله‌ی پهلوی «شگفتی و ارزش‌مندی سیستان» (بند ۲) از کیانسه به عنوان یکی از عجایب سیستان یاد شده است. خصلت مقدس دریاچه‌ی هامون به یقین بسیار کهن است و همین ویژگی پس از ورود اسلام نیز به موجودیت خویش ادامه داد. (دانشنامه‌ی ایرانیکا، ج (6/11)